



Code Analysis of Narrative Elements in

Salman Harati's Children's Poem

Seyed Asghar Mousavi¹

*PhD Candidate in Persian Language and Literature,
Islamic Azad University, Neyshabur Branch, Neyshabur, Iran*

Akbar Shabani²

*Assistant Professor in Persian Language and Literature,
Islamic Azad University, Neyshabur Branch, Neyshabur, Iran (Corresponding author)*

Batool Fakhri Eslam³

*Assistant Professor in Persian Language and Literature,
Islamic Azad University, Neyshabur Branch, Neyshabur, Iran*

Parvin Dokht Mashhoor⁴

*Assistant Professor in Persian Language and Literature,
Islamic Azad University, Neyshabur Branch, Neyshabur, Iran*

Received: November 25, 2023 Accepted: January 31, 2024

Abstract

Semiotics is studies the sign systems, the process of interpretation, the meaning and the truth hidden behind the codes, signs and symbols. This knowledge has considerable applications and functions in various areas of human relations. Literature, including children's literature is one of the most important of these areas. Using Roland Barret's views, this study tried to analyze the children's poems of Salman Harati with an analytical-descriptive method. The results showed that Harati's poems, due to such issues as reference to various fields of natural and ideological elements, pristine, simple and intimate nature, outstanding temporal and spatial coordinates, and social themes and idealistic discourse, is able to produce various codes, and consequently various meanings and interpretations. Although these characteristics are directly related to the readers' abilities, they show that when assessed by the interpretation mechanisms of codes and analysis of

-
1. Email: musavi.seyed@yahoo.com
 2. Email: shabany_akbar@yahoo.com
 3. Email: Bt_Fam12688@yahoo.com
 4. Email: p_d_mashhoor@yahoo.com

other semiotic elements, his poems have a structured and thoughtful semantic structure. The action and effect of the logic of conversationalism in his poetry is another factor that provides the reader with space and the possibility of reproducing content in the process of innertext and outertext interpretations. The narrative in Harati's poetry, as an integration factor of vertical axis, has produced a variety of codes. This process, with regard to the remarkable manifestation of the codes of narrative, hermeneutic and symbolic action, demonstrates the narrative capacity and the signifier nature of his poetry. Meta-exemplar implications in Harati's poems cause objective and clear associations and effectively involve metatext in the interpretation and analysis of signs.

Keywords: Semiotics, Narrative, Codes, Children's Poetry, Salman Harati



<https://doi.org/10.22067/jlkd.2024.85449.1219>



تحلیل رمزگانی عناصر روایت در اشعار کودک سلمان هراتی

سید اصغر موسوی، دانشجوی دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.^۱
اکبر شعبانی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول)^۲
بتول فخر اسلام، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.^۳
پروین دخت مشهور، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.^۴

صص ۵۱-۷۳

چکیده

نشانه‌شناسی دانشی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای، فرایند تأویل و معنا و حقیقت پنهان در پس رمزها، نشانه‌ها، نمادها و علائم می‌پردازد. این دانش در حوزه‌های گوناگون روابط بشری کاربردها و کارکردهای قابل توجهی دارد. ادبیات و از جمله ادبیات کودک از مهم‌ترین این حوزه‌هاست. پژوهش حاضر کوشیده است به روش تحلیلی-توصیفی، شعرهای کودک سلمان هراتی را با بهره‌گیری از دیدگاه‌های رولان بارت (۱۹۷۴) تحلیل رمزگانی نماید. نتایج حاصله نشان می‌دهد که شعر هراتی به دلیل اشتغال بر زمینه‌های گوناگون از عناصر طبیعی و ایدئولوژیک، سرشتی بکر، ساده و صمیمی، مختصات برجسته زمانی و مکانی، گستره مضمون اجتماعی و گفتمان آرمانی، قادر است رمزگان‌ها و به تبع آن معنا و تأویل‌های گوناگون را تولید کند. این ویژگی‌ها اگرچه با توانش خواننده ارتباط مستقیم دارند، نشان می‌دهند که شعر هراتی در مواجهه با مکانیسم‌های تأویلی رمزگان‌ها و تحلیل سایر عناصر نشانه‌شناختی، ژرف‌ساخت معنایی ساختارمند و اندیشیده شده دارد. بینامتنیت عامل دیگری است که در فرایند نشانه‌معناشناسی و تفسیر درون و برون‌متن، فضا و امکان بازتولید محتوا را برای خواننده فراهم می‌آورد. روایت در شعر سلمان به‌عنوان عامل یکپارچگی محور عمودی، رمزگان‌های متنوعی را تولید کرده است. نمود قابل توجه رمزگان‌های کنش‌روایی، نمادین و هرمنوتیک، نشانگر روایت‌مندی و ماهیت دلالت‌گر شعر او است. دلالت‌ها در شعر هراتی تداعی‌های عینی و شفافی را سبب می‌شود و فرامتن را به‌طور مؤثری در تأویل و تحلیل نشانه‌ها دخیل می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی، روایت، رمزگان، شعر کودک، سلمان هراتی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

1. musavi.seyed@yahoo.com

2. shabany_akbar@yahoo.com

3. Bt_Fam12688@yahoo.com

4. p_d_mashhoor@yahoo.com

۱. مقدمه

نشانه‌شناسی به‌عنوان علم مطالعه نظام‌های نشانه‌ای و بررسی نحوه تعامل یا تقابل آن‌ها و پی‌افکندن سازوکار جدیدی در تأویل متن و فهم معنا، علم نوینی است که چنان‌که صفوی گزارش می‌کند «سوسور^۱ در اروپا با نام semiology و پیرس^۲ در آمریکا با نام semiotics تقریباً همزمان باهم معرفی کردند، بدون این‌که شناختی از هم داشته باشند و بدون این‌که بدانند آرای آنان در آینده چگونه تعبیر خواهد شد» (صفوی، ۱۳۹۳: ۳۲). نظرات این دو در طول یک قرن توسط اندیشمندانی دیگر مورد نقد، حک و اصلاح قرار گرفت. «یلمزلف^۳، یاکوبسن^۴، بارت^۵، کریستوا^۶ و بوردیا^۷ سنت سوسوری را پی گرفتند و موریس^۸، ریچاردز^۹، آگدن^{۱۰} و سبئوک^{۱۱} راه نشانه‌شناسی پیرس را ادامه دادند» (سجودی، ۱۳۹۰: ۲). امروزه با گسترش ساحت یافته‌های این دانش، در آرای نشانه‌شناسانی همچون اکو^{۱۲} تلفیق دستاوردهای هر دو شاخه عمده نشانه‌شناسی را می‌توان دید.

فارغ از تفاوت‌ها و اختلافاتی که در تعریف مفاهیم و گستره نشانه‌شناسی وجود دارد. آنچه امروز به علم نشانه‌شناسی موسوم است از حوزه مطالعات زبانی گذر کرده و به مبنایی برای تحلیل در زمینه‌های گوناگونی از زندگی بشر تبدیل شده است. نشانه‌شناسی نظرگاهی نوین را ایجاد کرده است تا با بحث پیرامون موضوعات گوناگونی همچون «ویژگی‌های ارجاعی و معنایی پدیده‌ها، نفی ذهنیت، رابطه کارگزار و ساختار، بازنمایی واقعیت، متن‌وارگی و تأویل پدیده‌ها، رشد فرهنگ توده‌ای، جهانی شدن، تحلیل طبقات اجتماعی، تفاوت و شکاف‌های فرهنگی – گفتمانی، سیر تطور و تحول گفتمانی و ...» (تاجیک، ۱۳۸۹: ۱۲)، اصول حاکم بر این پدیده‌ها و نیز واقعیت پنهان موجود در پس آن کشف گردد. اکو در کتاب «نشانه‌شناسی» خود با ارائه مدل یلمزلف (۱۹۴۳) همانند شکل شماره ۱ در پایین، نقش نشانه‌ای را رابطه قراردادی میان بیان و محتوا می‌داند و تأکید می‌کند که عناصر محتوا، خود ساخته و پرداخته فرهنگی معین هستند و بنابراین، در وهله نخست به واحدهای فرهنگی برمی‌گردند (اکو، ۱۳۷۸: ۲۰).

1. Ferdinand de Saussure
2. Charles Sanders Peirce
3. Louis Trolle Hjelmslev
4. Roman Jakobson
5. Roland Barthes
6. Julia Kristeva

7. Jean Baudrillard
8. Charles William morris
9. I. A. Richards
10. Charles Kay Ogden
11. Thomas A. Sbiuk
12. Umberto Eco

شکل شماره (۱) مدل پیشنهادی یلمزلف برای نقش نشانه‌ای

ماده	
جوهر	محتوا
صورت	
صورت	
جوهر	بیان (لفظ)

ماده

آلگونه جوقنانی در جمع‌بندی آرای اکو درباره چگونگی دریافت معنای متن می‌گوید:

«اکو در موضوع تأویل اثر، نیت نویسنده، نیت متن و نیت خواننده را از هم متمایز می‌داند. او معتقد است که آنچه معنای متن را رقم می‌زند، استراتژی پیچیده‌ای از تعاملات خواننده با متن است. این استراتژی متکی بر توانش خواننده در برخورد با زبان به‌مثابه گنجینه اجتماعی است»
(آلگونه جوقنانی، ۱۳۹۵: ۲۹-۳۰).

شعر کودک به معنای اعم؛ یعنی آنچه برای کودک و درباره‌ی کودک سروده شده، در واقع دو دنیای متفاوت، یعنی دنیای شعر و دنیای کودک را باهم تلفیق می‌کند. شاعر را به دوران کودکی می‌برد و اندیشه و احساس او و آنچه که دیروز و امروز بر کودک درونش گذشته را بازتاب می‌دهد. این پژوهش مؤلفه‌های نشانه‌شناسی را در شعر کودک سلمان هراتی به‌ویژه در حوزه روایت و رمزگان‌های روایی با بهره‌گیری از آرا و نظریات بارت بررسی نموده است و همزمان به‌واسطه جستجوی برداشت‌ها و یا معانی جدیدی در شعر این شاعر، کوششی در راستای شعرشناسی و دانش ادبیات نیز می‌تواند باشد. پرسش‌های ذیل مبنای پژوهش حاضر هستند:

- آیا تحلیل رمزگانی به‌عنوان یک روش نشانه‌شناختی می‌تواند قراردادهای پنهان در شعر هراتی را کشف و ارائه کند؟
- کارکرد رمزگان‌های کنشی و هرمنوتیک به‌عنوان منطق، سیر تحولات و چهارچوب روایت و رمزگان‌های معناشناسانه، نمادین و فرهنگی در تولید معنا در شعر هراتی چگونه است؟

۲. تحلیل رمزگانی

رمزها در نشانه‌شناسی^۱ مبنای تولید دلالت‌های متنی هستند و بازگشایی آن‌ها به دریافت معنای متن منجر می‌شود؛ به عبارت دیگر رمزگان حلقه اتصال متن و فرهنگ و نیز مواد اولیه تولید روایت^۲ است و نشانه‌ها در فرایندی که در ارجاع به نظام رمزگانی طی می‌کنند معنادار می‌شود. این فرایند که تعامل پیچیده متن و خواننده را رقم می‌زند، دگرگونی و زایش رمزگان‌ها را به دنبال دارد. در این فرایند آن‌گونه که سجودی می‌گوید:

«رمزگان‌ها در حکم نهادهایی عمل می‌کنند که - چه از وجودشان آگاه باشیم یا نه- به تعدیل، تعیین و از همه مهم‌تر تولید معنی می‌پردازند. در نتیجه هر متنی چنانچه به درستی تحلیل شود نه بازتاب واقعیت، بلکه تولیدکننده و تکثیرکننده واقعیت است» (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

تحلیل رمزگانی به‌عنوان یک روش نشانه‌شناختی سازوکاری است که قراردادهای پنهان در متن را کشف و ارائه می‌کند. این روند در متن ادبی و به‌ویژه شعر و البته نه آنچه به ادبیات داستانی موسوم است، مسیر خاصی را طی می‌کند. شعر از سویی محل نمود ویژگی‌های زبانی است و از سوی دیگر به دلیل اشتغال بر فنون بلاغی در مسیر انتقال معنا فرایندهایی را شامل می‌شود که بر تولید معانی ضمنی^۳ استوار هستند و علاوه بر تولید لذت ادبی، در دو ساحت احساس و ادراک نیز اثرگذارند. فراتر از این، آن‌گونه که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) می‌گویند: فنون بلاغی (که خود نهادهایی فرهنگی هستند) ما را به شیوه‌های غالب تفکر در جامعه پیوند می‌زنند (سجودی، ۱۳۹۰: ۵۴). در یک ساحت گسترده‌تر، به باور چندلر^۴ (۲۰۰۲)، فنون بلاغی صرفاً با چگونگی اندیشه‌ها سروکار ندارند؛ بلکه بر چگونگی اندیشیدن نیز تأثیرگذارند (همان: ۵۳). رمزگان‌های پنج‌گانه رولان بارت از جمله الگوهای کارآمد تحلیل رمزگانی هستند.

۳. نظام رمزگانی بارت

رولان بارت منتقد ادبی و نشانه‌شناس معروف فرانسوی (۱۹۷۰)، در کتاب «اس/زد»^۵ فرایندی برای تحلیل متن ارائه کرده و آن را در تحلیل داستانی کوتاه از بالزاک متعلق به ادبیات رئالیستی فرانسه به نام «سارازین» به کار گرفته است. به گفته هاوکس (۱۹۷۷: ۱۱۶)، هدف بارت آن است که ماهیت دلالتگر کلی متن را نشان دهد (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۳۹۰).

1. semiotics

2. narrative

3. Connotative meaning

4. chandler

5. S/Z

۱۴۷). بر اساس نظریه بارت هر متنی از تلفیق رمزگان‌های کنش روایی، معناشناسانه^۱، فرهنگی (ارجاعی)^۲، هرمنوتیک و نمادین خلق می‌شود. وی چند سال پس از انتشار «اس/زد» رمزگان اعتباری را نیز به مجموعه رمزگان‌های خود افزود (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۰-۲۴۱). بارت در فرایند تحلیل رمزگانی ابتدا داستان را تقطیع می‌کند و سپس به تحلیل دال‌های متنی بر اساس پنج رمزگان می‌پردازد (ر.ک: سجودی، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

۱-۳. رمزگان کنش روایی

این نوع رمزگان معطوف به کنش‌ها و اثرات آن‌ها و نشانگر مجموعه‌ای از کنش‌ها یا توالی‌های کوچکی است که کل روایت را پیش می‌برد. «این رمزگان با زنجیره رویدادها سروکار دارد که در جریان خواندن یا گردآوردن اطلاعاتی که روایت به ما می‌دهد، ثبت می‌شود و نامی به خود می‌گیرد» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

۲-۳. رمزگان هرمنوتیک

منظور از رمزگان هرمنوتیک، معماهای یک متن است. «بارت این رمزگان را الگوی پلیسی داستان می‌داند» (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۱) و در تبیین آن می‌گوید:

طرح سؤال و پاسخ به آن سؤال و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی که ممکن است یا سؤالی را صورت‌بندی کنند و یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازند؛ یا حتی معمایی را طرح کنند و ما را به سوی راه‌حل آن رهنمون کنند (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۴۸) در این رمزگان رخ می‌دهد. حتی عنوان اثر می‌تواند معمایی باشد که خواندن و یا تحلیل اثر، آن را می‌گشاید.

۳-۳. رمزگان معناشناسانه

این رمزگان به دلالت‌های کمابیش خصلت‌نما، روان‌شناختی و محیط مرتبط می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۰). رمزگان معناهای ضمنی است و به همه دلالت‌های ضمنی مربوط می‌شود که خصوصیت‌های شخصیت‌ها یا کنش‌ها را می‌سازند (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷). به عبارت دیگر، این رمزگان دلالت‌های شخصیت، مکان یا یک شیء است (بارت، ۱۳۸۷: ۲۰). از آنجایی که این رمزگان به‌واسطه توصیف اشیاء مادی، فعال کردن اشیاء غیرمادی را در ذهن دنبال می‌کند، به مخاطب این امکان را می‌دهد که معنا و درون‌مایه داستان را در ساحت نمادها و نشانه‌ها دریافت کند.

۳-۴. رمزگان نمادین

این رمزگان به الگوهای تضاد و تقابل مربوط است. چنان‌که احمدی می‌گوید: منطق این رمزگان از منطق هرروزه، آشنا، استدلالی و تجربی جداست. همچون منطق رؤیاست. زمان توالی و جانشینی رخدادها نامعلوم است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۱). رمزگان زمانی نمادین می‌شود که «مفهومش، تناظری تقابلی با مفهومی دیگر در متن داشته باشد» (کریمی، ۱۳۹۴: ۴۰۱). بارت در مورد رمزگان نمادین تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای دارد: ۱- موارد مربوط به نظریه بیان و نظریه ادبی؛ ۲- موارد مربوط به زندگی اقتصادی (مثلاً نقش طلا در داستان)؛ ۳- موارد مربوط به روان‌شناسی (مثلاً اشارات مربوط به جسم آدمی در داستان)؛ اما این سه بر هم سلطه ندارند، هرچند موارد مربوط به دسته سوم آشکارتر به چشم می‌آیند (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

۳-۵. رمزگان فرهنگی (ارجاعی)

این رمزگان نسبت به سایر رمزگان‌ها از فراگیری و جامعیت بیشتری برخوردار است. تأویل رویدادهای روزمره، تجربه‌های دوران زندگی، جهان‌بینی، فرهنگ و طرز تفکر شاعر و سایر شخصیت‌ها در روایت و یا آنچه شاعر می‌خواهد در قالب پیام منتقل کند را می‌توان از طریق این رمزگان به بررسی گرفت. کوارد و آلیس (۱۹۸۸) در مقاله‌ای در تشریح مفاهیم کتاب اس/زد می‌گویند:

«رمزگان فرهنگی مجرای ارجاع متن است به بیرون، به دانش عمومی. اگر آن را نظامی از ایده‌ها تلقی کنیم. درهم بافته شدن مرجع‌ها در این رمزگان، حس واقعیت را در کتاب به وجود می‌آورد، زیرا خود این افکار، باورهای طبیعی و موجه فرهنگی هستند. این‌ها را همگان به‌طور طبیعی می‌دانند» (سجودی، ۱۳۸۰: ۱۸۱).

رمزگان‌های بارت به خواننده فعال این امکان را می‌دهد که پدید آمدن معنا و چگونگی آنچه بارت فروپاشیدن متن می‌نامد را درک کند. بارت در تحلیل رمزگانی بیش از هر چیزی چگونگی معنازایی^۱ را دنبال می‌کند. طبقه‌بندی بارت که در خوانش شعر کودک سلمان هراتی طرح خواهد شد، دو کارکرد عملی دارد.

۱. رمزگان در آثار بارت الگویی از دانش فرهنگی و یا زبان‌شناختی است که تاروپود روایت را تشکیل می‌دهند. روایت، آمیزه یا به هم تنیدگی‌ای از رمزگان‌ها خواهد بود و واحدی یگانه در درون روایتی می‌تواند بر اساس یک یا چند رمزگان دلالت‌مند شود (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۴۹۹).

۲. این طبقه‌بندی «تفاوت انواع رمزگان را از نظر عمق معنایی و میزان ارتباط کلام با مفاهیم خرد اما فرهنگ‌ساز جامعه، همچنین میزان درونی یا بیرونی بودن ارجاعات و امکانات تأویلی متن، مشخص می‌سازد» (کریمی، ۱۳۹۴: ۳۹۴).

۴. روایت

ارسطو در رساله فن شعر و در یک تعریف ساده و روان، هر چیز داستان‌گونه‌ای را که دارای «آغاز، واسطه و نهایت باشد» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۲۵) روایت می‌داند. مقصود از روایت تنها گونه ادبی داستان یا رمان نیست. فراگیری این مفهوم تا آنجاست که فلادرنیک^۱ (۲۰۰۶: ۱) می‌گوید: روایت در همه‌جا پیرامون ما قرار دارد (صفیعی، سلامی، ۱۳۹۰: ۷). دنیس^۲ (۲۰۰۴) به دو عنصر رابطه منطقی بین رویدادها و نیز توالی آن‌ها نیز اشاره می‌کند (صفوی، ۱۳۹۳: ۲۰۵). تولان^۳ (۲۰۰۱) می‌گوید: روایت توالی رویدادهایی است که به شکل غیر تصادفی و با پیوندی سببی و زمانی به هم اتصال یافته‌اند (محمدی فشارکی، خدادادی، ۱۳۹۷: ۱۲۴). تودورف^۴ این مؤلفه را بر سه بعد محتوا، نحو و کلام استوار می‌داند. او دو واحد بنیادی یعنی گزاره^۵ و توالی^۶ را در ساختار روایت از هم متمایز می‌کند. واحدهای گزاره، همان اجزای کلام هستند و گزاره و توالی به ترتیب، نقش جمله و بند را دارند. بر این اساس، شخصیت‌های روایت در حکم اسم، خصلت‌هایشان در حکم صفت و اعمالشان در حکم فعل خواهند بود (ر.ک: سجودی، ۱۳۷۷: ۲۳۰). آن‌گونه که ریچاردسن^۷ (۱۹۹۰: ۱۱۸) می‌گوید: می‌توان روایت را هم یک شیوه استدلال و هم یک شیوه بازنمایی جهان پیرامونی به حساب آورد که انسان‌ها می‌توانند در قالب آن جهان را درک کنند و درباره جهان سخن بگویند (آسابرگر، ۱۳۹۸: ۱۱۳).

۵. پیشینه پژوهش

مطالعات و تحقیقات نشانه‌شناختی در حوزه شعر کودک و نوجوان در آثار و مقالات فارسی از تعداد قابل توجهی برخوردار نیست. از میان آثاری که می‌توان به این پژوهش مرتبط دانست، مدنی و خسروی شکیب (۱۳۸۸) به موسیقی زبانی، بیرونی بودن زبان، شخصیت‌پردازی، محیط‌گرایی و یکپارچگی معنا در زبان شعر کودک پرداخته و در کنار توجه به نقش برجسته عناصر موسیقایی بر بهره‌گیری از نشانگان ساده و ارجاعی زبان در تولید کنش تصویری

1. Fludernik

2. Danesi

3. Michael Toolan

4. Tzvetan Todorov

5. proposition

6. sequence

7. Laurel Richardson

تأکید می‌کنند. عابدی و همکاران (۱۳۹۴) نشانه‌شناسی شعر سلمان هراتی را در کنار سه تن از شاعران فارسی‌زبان و چهار تن از شاعران فلسطینی بررسی کرده و با کمک رهیافت‌های نشانه‌شناسی و توصیف و تحلیل متن، لایه‌های فکری موجود در آثار این شاعران را تحلیل و ارزیابی نموده‌اند. گرجی و همکاران (۱۳۸۹) به مدد مباحث پدیدارشناسی در راستای کشف مجموعه دستگاه فکری هراتی بدون توجه به محتوای آثار و تنها از طریق عنوان اشعار وی، به این نتیجه رسیده‌اند که انسجام و پیوندی استوار بین عنوان و اندیشه حاکم بر اثر قابل مشاهده است. این آثار فاقد الگوی مشخص برای تحلیل دستاوردهای تحقیق بوده و نویسندگان با رویکردی تلفیقی اثر خود را سامان داده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که به‌طور خاص، شعر کودک سلمان هراتی مورد پژوهش نشانه‌شناختی قرار نگرفته است و این پژوهش برای نخستین بار در این ساحت تلاش می‌کند.

۶. نشانه‌شناسی شعر کودک سلمان هراتی

سلمان هراتی شاعری است که از آغازین روزهای کودکی، رنج‌های بزرگسالان را بر روح و دوش خود حس کرده است. وی در دفتر شعری «از این ستاره تا آن ستاره» به کودکان و نوجوانان نظر داشته و در سایر آثار خود نیز مضمون‌های مرتبط با این ساحت ادبی را طرح کرده است. از مجموع ۱۷۵ شعر سلمان هراتی ۱۷۱ مورد آن عنوان دار هستند. ۲۵ عنوان از اشعار وی که در جدول ذیل آمده را می‌توان در زمره اشعار کودک و نوجوان وی قرار داد.

جدول شماره (۱) اشعار کودک سلمان هراتی

ردیف	عنوان شعر	دلالیت	ردیف	عنوان شعر	دلالیت
۱۴	فردا	زمان	۱	جریمه	توصیف
۱۵	قصه بازگشت پدر	توصیف- زمان- شخصیت	۲	آب در سماور کهنه	توصیف
۱۶	جبهه به علاوه تو	مکان- شخصیت	۳	نیایش واره ۱۵	توصیف
۱۷	پیام	توصیف	۴	تدفین مادر بزرگ	توصیف- شخصیت
۱۸	سرو کوچک	شخصیت	۵	حکایت جنگل	توصیف- مکان
۱۹	جای احمد	مکان- شخصیت	۶	دفتر نقاشی من	توصیف- شخصیت
۲۰	از این ستاره تا آن ستاره	مکان- توصیف	۷	صبح	زمان
۲۱	برادری	توصیف	۸	امتحان نهایی	توصیف- زمان

۲۲	لک‌لک سپید	توصیف	۹	دستور	توصیف
۲۳	ای جویبار	توصیف-شخصیت	۱۰	زنگ انشا	زمان
۲۴	پرنده‌گانی آیند	توصیف	۱۱	خاطره	توصیف
۲۵	واقعه	توصیف	۱۲	حجله سرخ	مکان
			۱۳	از کوچه ما	مکان-شخصیت

عنوان و متن در شعر هراتی، دوگانه‌ای هستند که دلالت واحدی دارند. علاوه بر این، عنوان به‌تنهایی عامل اصلی جذب مخاطب و کلیدی برای تأویل متن نیز خواهد بود. شاعر با انتخاب این عنوان‌ها علاوه بر تولید بار مثبت فراوان و تلاش برای جذب مخاطب، رمزگشایی از انگاره‌های ذهنی خود را نیز تحقق بخشیده است. نظام دلالت در عنوان‌های شعر کودک سلمان عبارت‌اند از: زمان، مکان، شخصیت و توصیف. شعر سلمان را می‌توان خودنگاره‌ای ساده، صمیمی و واقعیت‌محور از شاعر دانست. از میان دلالت‌های گوناگون عناوین شعر درباره‌ی کودک هراتی، زمان و مکان در عنوان‌هایی همچون «صبح»، «قصه‌ی بازگشت پدر»، «حکایت جنگل»، «تدفین مادر بزرگ»، «جای احمد»، «سرو کوچک» و «از کوچه‌ی ما» خصوصیات یادمانه‌گون (نوستالژیک) دارند. توصیف در دلالت‌های شعر سلمان هراتی در اسامی عام و ترکیبات وصفی و اضافی، استعاره‌گونه است. واژه‌هایی از جمله، پیام، خاطره، ای جویبار، لک‌لک سپید، در سرشت خود، چه در حوزه‌ی نمادشناسی و چه در تلقی عام از واژه، به تأویل‌های گوناگونی می‌توانند منجر شوند.

روایت و حضور پررنگ آن در شعر سلمان، دوره‌ها و ساحت‌های گوناگونی از زندگی فردی و اجتماعی کوتاه‌مدت شاعر را بازتاب می‌دهد. ذهن فعال شاعر در حوزه‌های دین و مذهب، گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مناسبات جهان سنتی و مدرن، عرفان و نظایر آن به مفهوم‌سازی پرداخته است.

۱-۶. رمزگان کنش روایی

داستان حاصل جمع کنش‌های پی‌درپی شخصیت‌هاست. بازگشت به دوران کودکی و بیان رنج‌ها، نابرابری‌ها و توصیف آن‌ها، تصویر کودک روستایی در محاصره‌ی موجی از نامایمات، بیان خاطرات و توصیف جنبه‌های مثبت و منفی آن، بیان فکر و احساس کودکانه، معرفی ریشه‌ی محنت‌های روستا، بیان نظام حاکم بر روابط اجتماعی و شرح چشم‌اندازها و آرزوهای دوران کودکی، مضمون‌های عمده‌ی بخشی از شعر کودک سلمان است و به‌گونه‌ای پیرنگ روایت‌های شعری او را رقم می‌زند. این روایت‌ها در ساحت گسترده‌ای با واقعیت‌های دوران کودکی شاعر پیوند دارند.

شعر «آب در سماور کهنه» مجموعه‌ای غنی، عینی و قابل تجسم از کنش روایی است.

من نبودم / مادرم یتیم شد / من نبودم / درختان، بی شکوفه نشستند / من نبودم / گنجشک‌ها برگ و بارشان را بستند / و از بهار گذشتند / من نبودم / نارنج‌ها از درخت به زیر افتادند / انجیرها از تراکم درد ترکیدند / ارباب صبحانه‌ای لذیذ از انجیر خورد (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

این شعر سی و دو کنش روایی را ترسیم کرده است. رویدادها و توالی آنها روایت را به پیش می‌برند. ارباب و تمام کسانی که دستورات او را بی چون و چرا انجام می‌دهند، مادر، ملوک و کودک - که روای ماجرا نیز هست - شخصیت‌های این روایت‌اند. مکان و زمان اگرچه در گفتار روای مشخص هستند اما به تمامی مکان‌ها و زمان‌هایی که نظام ارباب و رعیتی در آن جاری بوده و هست امکان تعمیم دارد. عبارت «من نبودم» که گویا تأکیدی بر زمان است در ساختاری گذشته‌نما^۱ به گونه‌ای بستر و مقدمه‌چینی شاعر برای طرح روایت است، در این شعر شش بار تکرار شده و در پایان شعر به عبارت «من شاعر نبودم» تبدیل شده است. کشمکش‌های میان ارباب، ملوک و مادر، کشمکش‌های کودک راوی با خود و مادر و نیز کشمکش‌های مادر با خود، کوتاه اما مؤثر در روایت به چشم می‌خورند. به طور کلی شکل چینش عناصر روایت حتی چاشنی طنزی که با پیوستن واژه «نانجیب‌زاده» به ملوک تولید شده، اطلاعات خواننده را تا حدود زیادی تأمین می‌کند. حضور استعاره‌های مفهومی، کهن‌الگوها و نمادها نیز در تولید معنا و دلالت‌های ضمنی به وضوح دیده می‌شود که البته در رمزگان‌های دیگر قابل بررسی است؛ بنابراین ساختار و پیرنگ کاملاً آشکاری را در روایت می‌توان دید و این روند در سایر اشعار کودک سلمان نیز تا حدود زیادی قابل تطبیق است.

۲-۶. رمزگان هرمنوتیک

این رمزگان طرح پرسش و یا معماهای متن را بر عهده دارد. «آب در سماور کهنه» شعری است که در عنوان معماگونه است. علاوه بر این کنایه‌هایی از قبیل «آب بر خاکستر ریختن» «خلوت ارباب را پر کردن» و «بچه‌های خاکستری» که در این شعر به کار رفته است حاوی برخی از پرسش‌های این روایت‌اند. معما و کشف آن در این رمزگان با دوشگرد تعلیق روایی و خلأ هرمنوتیک همراه است. «تعلیق روایی حاصل روندی است که بارت آن را تأخیر نام نهاده است» (کریمی، ۱۳۹۴: ۳۹۴). زمان در نشانه‌شناسی، در واقع زمان روایت است که البته خود تقسیماتی نیز یافته است.

گوتتر مولر^۲ (۱۹۶۸) زمان روایت را شامل زمان کنش روایت، زمان متن و زمان زندگی می‌داند. زمان کنش روایت

1. flashback

2. G. muller

زمان گاهنامه‌ای و مدتی است که صرف خواندن اثر می‌شود. زمان متن گزیده سال، ماه، روز، دقیقه‌ها و ساعت‌های داستان است و زمان زندگی، زمان راستین رخدادهایی است که زمان متن، چکیده آن‌ها را فراهم می‌آورد (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۴۹).

شعر هراتی گاهی درگذشته‌ای جریان دارد که دست‌نیافتنی است. گاه بر زمانی دلالت دارد که گونه‌ای پیوستگی و حتی جاودانگی را می‌توان در آن دید. گاه نیز آینده، عنصر اصلی زمان شعر اوست. نمود گذشته در شعر کودک سلمان، گاه ماهیتی یادمانه‌گون (نوستالژیک) دارد. در این یادمانه‌گونه‌ها شهید، روستا، مدرسه و طبیعت، درون‌مایه‌ها و موضوع‌های مرکزی (موتیف) هستند. «قصه بازگشت پدر» چارپاره نسبتاً بلندی از تلفیق یادمان گونه این درون‌مایه‌ها است و با نوعی مقدمه‌چینی و براعت استهلالی کوتاه و تعلیق روایی (تأخیر)، معمای انتظار و بازگشت را با تشبیه و استعاره‌هایی زودپای روایت می‌کند. اگرچه شاعر، رمزگان‌های دیگری را برای آشکار شدن خط روایی در شعر مطرح کرده است، کشف معما و تأویل‌های گوناگون آن همچنان بر عهده خوانند است.

آه این اشک از کجا آمد / گونه خواهر مرا تر کرد / مادر من چه شد چرا امروز / روسری سیاه بر تن

کرد؟ (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۸۲)

در این شعر عناصر طبیعی همچون ابرها، آسمان، نسیم، درخت، بهار و ... که خود نیز حامل پرسش‌هایی در این روایت هستند، به‌گونه‌ای پیکر شهید را در برگرفته‌اند که تلخی و درعین‌حال شیرینی آن زمان خاص را برای کودک روستایی (شاعر) به صورتی ملموس تداعی می‌کنند.

شگرد دیگری که در تولید رمزگان هرمنوتیک به کار می‌رود خلأ هرمنوتیکی^۱ است. در این شگرد با ایجاد خلأ، ذهن مخاطب با متن درگیر شده و تفسیر، تعبیر و یا تأویل‌های بیشتری را در ذهن خواننده رقم می‌زند. نمونه این شگرد را در مثنوی «حکایت جنگل» می‌توان دید. در این شعر تعلیق و ایجاد خلأ هرمنوتیکی از خط آغازین و با عباراتی که حاکی از مرگ جنگل است شروع می‌شود.

بیشه در دست عطش می‌مرد / باد نعش برگ را می‌برد / جنگل از اندوه می‌نالید / شاخ و برگ تشنه

می‌بارید (همان: ۳۴۱).

کاری که شاعر در برانگیختن اشتیاق مخاطب و به تبع آن درگیری بیشتر ذهن او آغاز کرده است با گسترش دامنه آگاهی‌های مخاطب از طریق تولید رمزگان‌های دیگر و نیز با تکرار تصاویری از قحطی، خشک‌سالی، خمودگی و

1. hermeneutic gap

مرگ با این بیت ادامه می‌یابد که:

سال‌ها تکرار شد این غم/ پشت جنگل زین حکایت خم (همان: ۳۴۲).

شاعر در ادامه این شعر با فراخوانی نمادهایی همچون کوه، سرو، صنوبر و سپیدار اسطوره‌هایی همچون آسمان و باران، کهن‌الگوهایی مانند آب، زایش و استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی همچون مفاهیم مربوط به سفر و جنگل، تقابل رنگ زرد که نشانه پاییز، «فرسودگی، خستگی، ملال، آزدگی، بیماری، کهنگی، عدم تکامل، خامی و مرگ است» (علی‌پور، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۵) با رنگ سبز که در نگاه سلمان از صمیمیت، دوست داشتن، زیستن و امید خبر می‌دهد در شعری که در لایه آشکار خود چرخه آب را برای کودکان تصویر می‌کند و پرسش‌هایی که هر یک از آن‌ها تولید می‌کنند، طیف وسیعی از مفاهیم ضمنی را در معرض کشف قرار داده است. خلاصه هرمنوتیک دیگر مربوط به قرأت لایه‌های نمادین این شعر است که با بهره‌گیری از مفاهیم ذکر شده و متناسب با ساختارهای فکری هراتی و موقعیت زمانی سرایش شعر، انقلاب را روایت می‌کند.

۳-۶. رمزگان معناشناسانه

شخصیت‌پردازی به‌عنوان کارکرد رمزگان معناشناسانه باید بتواند بین متن و زمینه‌های فرهنگی آن ارتباط پیوسته و معناداری را برقرار می‌کند. «آب در سماور کهنه» که بخش‌هایی از آن ذکر شد، نمونه موقفی از روایت‌مندی متن است. شخصیت در این شعر به‌واسطه تولید رمزگان معنایی متعدد به جامعیت می‌رسد و توانایی بیشتری برای تبدیل شدن به تیپ و رونمایی از مسائل فرهنگی و اجتماعی می‌یابد.

همیشه‌های نیم‌سوخته/ «کله چال» را از آتش می‌انباشتند/ و ارباب کاهنی بود/ که با همیشه‌های نیم‌سوخته/ به تأدیب مادرم بر می‌خاست/ ارباب کاهنی بود/ که سرنوشت مادرم را پیشگویی می‌کرد/ و «ملوک» نانجیب‌زاده/ که خلوت ارباب را پر می‌کرد/ آب را بر خاکستر می‌ریخت (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۲-۱۱۱).

ارباب در این قطعه شعر کاهنی بی‌رحم، زورگو، قدرتمند و هرزه است و در ادامه شعر نیز رمزگان‌های دیگری به آن اضافه می‌شود. در مقابل وی مادر، شخصیتی مظلوم، مستأصل و مورد حسادت دارد و سلمان در ادامه شعر رمزگان‌های بسیار متفاوتی را نیز به این شخصیت می‌افزاید. در این شعر طیفی دیگر هم حضور دارند که در شناسه فعل «می‌انباشتند» به آنها اشاره شده است. این طیف دچار اختلالی هستند که بر اساس آن برخلاف دانسته‌ها و توانایی‌های ذهنی و جسمی خود، اراده شخصی ندارند و هر آنچه را ارباب اراده کند می‌پذیرند. سلمان در تشریح بعد

دیگر شخصیت مادر می‌گوید:

مادرم از مزرعه که برمی‌گشت / سیدش از دویستی سرریز بود / آسمان تنها دوست مادرم بود / مادرم
ساده و سبز مثل «ولگان» بود (همان: ۱۱۲-۱۱۳).

«شخصیت به‌نوبه خود تکیه‌گاه و سمت‌وسو دهنده به رمزگان‌های معنایی است که پس‌از آن در متن حضور خواهند یافت» (کریمی، ۱۳۹۴: ۳۹۶). بر این اساس کیومرث خان (ارباب) به‌عنوان یک تیپ اجتماعی مطرح است. مادر با همین توصیف، نماینده قشر رعیت است اما همان‌طور که در شعر مشاهده می‌شود، ورود نمادها و کهن‌الگوها به ساحت شخصیتی مادر، بعد فردیت بخش او را از حد آگاهی‌های مشترک نویسنده و مخاطب (به‌عنوان یک تیپ اجتماعی) فراتر برده است. شخصیت کودک (راوی) نیز دارای همین مختصات است. ورود کودک به متن روایت به‌عنوان شخص حقیقی، تحلیل‌های مرتبط با رمزگان اعتباری را نیز به دنبال دارد. این روند در ادامه شعر و در شعرهای دیگر سلمان ادامه می‌یابد و رمزگان‌های معنایی در بستر ارتباط متن و زمینه‌های فرهنگی، شخصیت را به‌گونه‌ای می‌آفریند که همان‌طور که می‌گوید «خواننده می‌تواند خود را با آن تطبیق دهد» (اسکولز، ۱۳۷۷: ۲۲).

در ساحت معانی ضمنی، عبارت «من نبودم» نشان می‌دهد که راوی از زمان‌های دور و آنچه بر خانواده‌اش گذشته است اطلاعات مبهمی دارد. از زمستان و به‌ویژه با یادآوری گفتار مادر:

ای کاش گرگ‌ها مرا می‌بردند / ای کاش گرگ‌ها مرا می‌خوردند (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

این ابهام تا پایان شعر ادامه می‌یابد و معما گشوده نمی‌شود. مادر در چنان تنگنایی قرار دارد که در مقایسه با گذشته دور خود و آن زمستانی که کودکان روستا در خطر ربوده شدن توسط گرگ‌ها بوده‌اند، آن زمستان دور را ترجیح می‌دهد. گویا روایت در تشریح شخصیت ارباب از گرگ‌ها کمک گرفته است. واژه سرنوشت نیز علاوه بر معانی ضمنی که در ابهام ذاتی خود به همراه دارد، می‌تواند به‌تمامی شخصیت‌های روایت مذکور تعمیم بیابد. گیاهان و جانورانی که در این شعر از آنها سخن به میان آمده نیز هر یک در جای خود واجد مفاهیم ضمنی هستند. قورباغه‌ها، لاک‌پشت‌ها و حتی آسمان که تنها دوست مادر است به‌گونه‌ای ضمنی، تنهایی راوی و مادرش را حکایت می‌کنند و انجیرها که از تراکم درد ترکیبند (همان: ۱۱۱) از سویی گویای دوران دشواری‌هایی هستند که بر این طبقه از جامعه روستایی رفته است و از سوی دیگر طبقه‌ای از جامعه را معرفی می‌کند که بی‌هیچ رنجی دسترنج این انسان‌های ضعیف را یکجا خورده‌اند. وجه دیگر حضور طبیعت در شعر از عاطفه قوی کودک و مادر حکایت می‌کند. تنهایی‌های آنان را پر می‌کند و به آنان آرامش می‌دهد.

تقابل درختان و بی شکوفگی، کاهن و آتش، سنگینی و اشک، توالی خوابیدن، شیر خوردن و گریه کردن نیز واجد معانی ضمنی هستند.

من با «امیرگته‌یا» خوابیدم/من با «امیرگته‌یا» شیر خوردم/من با «امیرگته‌یا» گریه کردم (همان: ۱۱۲-۱۱۳).

«امیرگته‌یا» آن‌گونه که کودک روای می‌گوید بعد از آسمان و در نگاه وسیع‌تر طبیعت، تنها پناهگاه او و مادرش است. آمیزه‌ای از باورهای عامیانه و بومی، سرگذشت دهقانان و کشاورزان، افسانه‌های عاشقانه، امثال‌وحکم و اعتقادات مذهبی و به‌ویژه ارتباطی که با علی (علیه‌السلام) در این اشعار تغزلی وجود دارد و سبب مادر از این دوبیتی‌ها لبریز است، تحلیل شخصیت مادر و کودک را می‌تواند وارد مرحله‌ای جدید نماید. به‌ویژه این‌که شاعر در پایان شعر تصریح می‌کند که:

من شعرهای ناسروده مادرم را می‌گویم/ من نبودم/ من شاعر نبودم/ مادرم یتیم شد (همان: ۱۱۳).

توجه شاعر به واژه یتیم نیز در فراخوانی معانی ضمنی نقش زیادی دارد. وجوه متعدد و روایت‌های گوناگونی که می‌تواند در اصل این واژه پنهان باشد و نیز کشمکش‌هایی که مادر و کودک روایت حاضر، در بوته آن قرار دارند. شاید یتیم شدن مادر سرآغاز این رنج‌ها بوده و دیگرانی که در این روایت حاضرند و به‌گونه‌ای صریح و هدفمند با ستمگری و فشار فراوان زندگی این دو را در تنگنا قرار داده‌اند، طرف دیگر ماجراهایی هستند که پس از یتیم شدن مادر رخ داده است. بار معنایی دیگر واژه یتیم به بینامتنیت قرآن کریم ارتباط می‌یابد. شعر هراتی از جهت اشتمال بر بینامتنیت دینی و مذهبی غنای فراوان دارد.

۴-۶. رمزگان نمادین

در شعر سلمان، نماد عرصه عمل قابل توجهی داشته و می‌تواند دریچه جدیدی به معنای شعر او باز کرده و معبر گسترده‌ای به جهان درون این شاعر ایجاد نماید.

یادم آمد/ آن غروب سرد/ آفتاب گرم/ مثل نارنجی/ میان دست جنگل خفت/ آفتاب آن لحظه/ چون چشم شهیدان/ سبز بود و سرخ/ یادت هست؟ (همان: ۳۶۸-۳۶۹)

عنوان این شعر کوتاه «خاطره» است. اگرچه تنها کنش موجود در این شعر فعل خفتن است، مختصات روایت کلاسیک را در آن می‌توان دید. تقابل و درعین حال ملازمت آفتاب و غروب و تداعی طلوع، گرم و سرد و سبز و سرخ، رنگ نارنجی و جنگل وجوه نمادگرایانه این شعر کوتاه‌اند.

خورشید که برابرنهاد آن یعنی آفتاب در شعر آمده، در نمادگرایی مختصاتی چندوجهی دارد. خدایی، آگاهی، تفکر، منبع نور، گرما، زندگی، باران و نیز مرگ، نابودی و رستاخیز از جمله ویژگی های نمادین خورشید است. غروب خورشید همواره مرگ تعبیر می شود (ر.ک: [شوالیه و گبران، ۱۳۸۲: ۱۱۷-۱۲۰](#)). گرما در ارتباط و همراهی با نور و در تقابل با سرما معنای نمادین تولد دوباره را تداعی می کند و با ارزش جنگاوری یک قهرمان ارتباط دارد (ر.ک: [شوالیه و گبران، ۱۳۸۵: ۷۲۰-۷۲۲](#)). نارنج نماد نیک بختی، بهروزی و باروری است و با اساطیر عشق و زایش پیوند داشته است (موسوی و اسپرغم، ۱۳۸۹: ۲۳۳). رنگ نارنجی «نماد کشف و شهود است» ([شوالیه و گبران، ۱۳۸۷: ۳۸۰](#)) و از این رهگذر با شهید ارتباط می یابد. جنگل نماد حرم است. محل آرامش و سبب خیر و برکت آسمان. اصولاً درخت در معنای نمادین علاوه بر زندگی، نشانه ربط و پیوند زمین و آسمان نیز بوده است (ر.ک: [شوالیه و گبران، ۱۳۷۹: ۴۵۵](#)). رنگ های سبز و سرخ بازی نمادین متناوبی دارند. سبز ارزش واسط بین گرمی و سردی و بالا و پایین را دارد. اطمینان بخش، تازه کننده و انسانی است. جاودانگی، امید و نیرو را تداعی می کند. سبز، رنگ آب و سرخ، رنگ آتش است و این دو رنگ، جوهر و هستی را فرایاد می آورند. تعادل این دو رنگ موجب تعادل انسان و طبیعت است. فضیلت اسرارآمیز رنگ سبز آن است که دربردارنده رنگ سرخ است. در تمامی اساطیر، خدایان بهار از بیرون سبز و از درون سرخ اند. مکمل رنگ سبز و سرخ، درباره خدایان عشق هم صادق است (ر.ک: [شوالیه و گبران، ۱۳۸۵: ۵۲۴-۵۱۷](#)). زمان اغلب با چرخش و حرکت دایره ای، مدار زندگی را توصیف می کند و با تمامی اشکال مدور، نمادین می شود. زمان بشری پایان پذیر و زمان الهی بی پایان است. این یکی نشانه زمانه دوران است و دیگری نشانه جاودانگی (ر.ک: [شوالیه و گبران، ۱۳۸۲: ۴۵۶-۴۵۷](#)).

در این شعر گویا سلمان خاطره تشییع یک شهید را تصویر کرده است. شهیدی که میان پرچم سه رنگ ایران پیچیده شده و در دست های انبوه تشییع کنندگان آرام گرفته است. سلمان از رنگ سفید در این شعر یاد نکرده است اما نوری که تمام تابلو را فراگرفته و از استعاره و ایهام آفتاب و شهید حاصل شده، می توان به جای رنگ سفید قرارداد. اجزای این تصویر با فراخوان انبوهی از سویه های نمادین و نیز با اشاره ای که به بینامتن قرآنی «انا لله و انا الیه راجعون» دارد، بیش از هر چیزی جاودانگی را تداعی می کند. آرامشی فراگیر، مختصات لحظه ای است که سلمان آن را به شکلی پادمانه گون، شیرین و ابدی ترسیم کرده است. پیکر شهید در نقطه طلایی این تابلو، نقطه اتصال زمین و آسمان است. گویا مانده ای آسمانی نازل می شود و یا قربانی زمینی عروج می کند. تولید مفاهیمی از این دست که در ساحت روایت قرار نداشته اند کارکرد رمزگان نمادین است.

برای رفوی پیراهن‌های پاره‌ما/ دوبیتی و اشک کافی بود/ سوزن که به دستش می‌رفت/ نه، بر جگر
می‌رفت (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

اشیاء به‌ویژه آنجا که به بدن نیز ارتباط می‌یابند و جوه دیگری از معانی نمادین را تولید می‌کنند. سوزن، دست و جگر هر یک معانی نمادین متعددی دارند. به‌ویژه دست و جگر که از آنها واژه‌های ترکیبی فراوان قاموسی نیز ساخته‌شده و معانی گوناگون تولیدشده است. این واژه‌ها در تحلیل‌های روانشناسانه نیز می‌توانند به تولید معنا منجر شوند. قدرت، جرأت، خشم و اضطراب را در هر دو واژه می‌توان یافت. شاعر اشک‌های مادر را معادل سوزن گرفته است. درد در هر دو گونه جسمی و احساسی در شعر امکان تولید معنا دارد. همزمان سوزن در شعر جایگاهی یافته که تداعی‌کننده صبر و البته ضعف و یا ضعف بینایی و نیز ضعف اعصاب مادر می‌تواند باشد. زاویه دید راوی معانی دیگری را نیز تولید می‌کند. به‌ویژه الحاق واژه دوبیتی به شعر، کودک را به گذشته دور می‌برد. شاید به لایه‌های مادر با زمینه‌های احساسی و مضامین عاشقانه و مذهبی، به آرامش و حمایت. پیراهن را نیز می‌توان به نمادهای این ابیات اضافه کرد. پیراهن نماد حمایت است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۲۶۹)؛ اما تصویری که شاعر با پیراهن تولید کرده محرومیت مادی و انزوای شدید را حکایت می‌کند. تقابل‌های دوگانه‌ای همچون حمایت و محرومیت، صبر و اضطراب، قدرت و ضعف و جسم و احساس در این ابیات حامل و مولد معانی ضمنی هستند. همان‌گونه که دیده می‌شود تولید معنا در روایت از طریق کاربرد و کارکرد رمزگان‌ها رابطه‌ای پیوسته است که در آن به‌طور مداوم معانی کشف‌شده به مصرف می‌رسند و با رمزگذاری‌های پی‌درپی بازتولید می‌شوند.

بارت در پاسخ به سؤالی در مورد جایگاه هر یک از رمزگان‌ها می‌گوید: رمزگان هر منوتیک و رمزگان کنش روایی بر سه دسته دیگر سلطه دارند چراکه خط و مسیر داستان یا به عبارت دیگر منطق داستان را پیش می‌برند. سه رمزگان دیگر به سهم خود به کار می‌آیند و دست‌کم می‌توان گفت که در روش خواندن امروزی، رمزگان نمادین اهمیت بیشتری یافته است (احمدی: ۱۳۸۸: ۳۴۱).

۵-۶. رمزگان فرهنگی (ارجاعی)

سلمان در شعر «برادری» با بیانی مستقیم و ساختی زیبا و روایی با بهره‌گیری از رمزگان فرهنگی باورهای انسانی خود را چنین سروده است.

یک کبوتر سیاه/ یک کبوتر سفید/ در کنار هم/ با دو قلب گرم/ با دو دست مهر/ روی ناودان خانه گلی
ما/ لانه‌ای درست کردند (هراتی: ۱۳۸۰، ۳۷۵)

مخالفت با نژادپرستی پیامی است که سلمان با تأویل رویدادی روزمره در این روایت به دنبال طرح و انتقال آن است.

آه ای کبوتر سفید من! / کاش مردمان روزگار ما / چون تو / یک دل سپید و ساده داشتند / آی کودکانه
ساده سیاه / چه می کنید / من دلم برایتان گرفته است (همان: ۳۷۶)

در شعر سلمان اندیشه‌های دینی و آیینی، عناصر طبیعی و فرهنگ بومی و نیز پرسش‌های سهمناک آفاقی و انفسی، نمودهای این رمزگان می‌توانند باشند. بینامتنیت^۱ در این رمزگان نمود فراوانی دارد و از همین رهگذر فرایند تأویل نیز گسترش‌پذیرتر خواهد بود. کریستوا (۱۹۸۰: ۶۹) متن را حاصل عمل دو محور می‌داند: یک محور افقی که نویسنده و خواننده اثر را به هم مربوط می‌کند و یک محور عمودی که متن را به متون دیگر متصل می‌سازد (چندلر، ۱۳۸۶: ۲۷۹). بر این اساس، ارجاعات آشکار و پنهانی که در متن وجود دارد در واقع، نتیجه تأثیر نویسنده از متون و نویسندگان پیشین خواهد بود و غنای بینامتنی اثر، بر آگاهی‌های گوناگون نویسنده دلالت می‌کند. علاوه بر این «هر پیش‌متنی که بر متن اصل اثر می‌گذارد، فرهنگ خود را هم به آن متن منتقل می‌کند» (گودرزی لمراسکی، ۱۳۹۱: ۱۴۰). بینامتن و به‌ویژه در شکل دینی و مذهبی آن در شعر هراتی نمودهای قابل توجهی دارد.

با آخرین نفس / بوی غریب پرسش فردا را / در خانه ریخت / آنگاه بی‌درنگ / مادر بزرگ من / در
جامه‌ای به رنگ سرانجام / پیچیده شد / بوی کبود مرگ / ما را احاطه کرد / ما چند لحظه‌ای / در
کوچه‌های سرد سرانجام خویشتن / در ترس و اضطراب / فروماندیم / ای کاش «عاقبت» / یک جاده
بود / یک جاده بلند که هر روز / ما عابران گیج و مقصر / از روی احتیاج در او گام می‌زدیم (هراتی
۱۳۸۰: ۲۷۰).

اسطوره مرگ و بوی غریب پرسش فردا حیرانی همیشگی بشر بوده و هست. هم‌نشینی ایهام‌گونه این پرسش در نگاه کودکی که داستان را روایت می‌کند و شاعری که در کار توسعه معنا از طریق بسط رمزگان در متن است از یک‌سو و نگاه بسیط و زمینی کودک و دیدگاه فطری و آسمانی شاعر به مرگ از دیگر سو و رمزگذاری این هم‌نشینی با تعبیراتی همچون جامه‌ای به رنگ سرانجام، ترس و اضطراب، عابران گیج و مقصر، جاده و عاقبت، تأویل‌هایی را به همراه می‌آورد که حاصل پیوندها و ارتباطات درونی این تأویل‌ها و تعامل بین متن و بافت فرهنگی است. حضور پررنگ بینامتن در این شعر فرایند تأویل را در ساحت وسیع‌تری امکان‌پذیر می‌کند. راز مرگ همواره وجهی مضطرب‌کننده

داشته و با توصیف‌ها و تصویرهای ترسناک همراه بوده است. این ترس و اضطراب به‌نوعی مقاومت در مقابل تغییر و اجتناب از شکل ناشناخته‌ای از هستی و نماد تغییری عمیق است که در انسان پس از سرسپاری و تسلیم، به وقوع می‌پیوندد (ر.ک: [شوالیه و گریبان، ۱۳۸۷: ۲۲۲-۲۲۷](#)). رنگ سیاه کبود، نشانه درد، دغدغه، غم، جهل، اغتشاش، بی‌نظمی و مرگ است و در ذهن و روان، حالت کدورت، ضخامت و سنگینی را متبادر می‌کند ([شوالیه و گریبان، ۱۳۸۲: ۶۹۲](#)). تقابل سفید و کبود، ملازمت کبودی با ترس، اضطراب، گیجی و تقصیر، سرعت‌گذر زمان و الفای کوتاهی زمان بین لحظه اکنون و سرانجام و نیز حس نامعلومی که از واژه عاقبت تولید می‌شود، مؤلفه‌هایی هستند که در بافت فرهنگی در گستره وسیعی وجود دارند. علاوه بر این سلمان به گواهی شعرش در فردیت خود، از مرگ‌اندیشی گذر کرده و به مرگ‌آگاهی رسیده است. شعر او به‌گونه‌ای تبلور بن‌مایه‌های استوار این آگاهی است.

۷. نتیجه‌گیری

کش‌ها و توالی آنها در روایت‌های شعری سلمان هراتی بستری آرام برای جانمایی پی‌رفت‌هاست. سلمان با مقدمه‌چینی لازم و در برخی موارد ارائه پیش‌آگاهی‌هایی پیرنگ روایت‌های کوتاه و بلند خود را ترسیم کرده است. زمان و مکان اگرچه تا حدودی معلوم است، قابلیت تعمیم دارد. کشمکش‌هایی که بین شخصیت‌های روایت دیده می‌شود عموماً قواعد، هنجارها و ناهنجارها و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را در جامعه هدف‌گیری کرده است. زاویه دید در غالب اشعار مورد پژوهش از آن کودکی است که شاعر شده است.

شگردهای تعلیق‌روایی و خلأ هرمنوتیک که طرح پرسش و معماهای متن و نیز پاسخ به آنها را امکان‌پذیر می‌کنند در شعر هراتی قابل تطبیق‌اند. شعر هراتی علی‌رغم سادگی بافتار، گفتمان‌هایی را دنبال می‌کند که دست یافتن به آنها فراوری و تأویل متن را می‌طلبد. در شعر سلمان نموده‌های فراوانی وجود دارند که شهید، روستا، مدرسه و طبیعت را تصویر و یا تداعی می‌کنند. فرایندی که تلفیق، فراخوانی معنای نمادین و بررسی هم‌نوایی‌ها، تضادها و تقابل‌های این نمودها طی می‌کنند در واقع طرح معما و کشف پاسخ آن را که کارکرد رمزگان هرمنوتیک است به دنبال دارد.

شعر سلمان هراتی در شخصیت‌پردازی به‌گونه‌ای موفق از رمزگان معنانشناسانه بهره برده و ویژگی‌های خصلت نما و روان‌شناسانه را در راستای معرفی و رونمایی از تیپ‌های مختلف شخصیتی و به دنبال آن کشف، تولید و بازتولید معنای ضمنی می‌توان استخراج کرد. علاوه بر شخصیت‌ها، اشیاء و مظاهر طبیعت بی‌جان و نیز گیاهان و جانوران چه از طریق بعد نمادین و نشانه‌ای و چه در ساحت معانی قاموسی، دلالت‌ها و معانی ضمنی را سبب می‌شوند.

حضور پررنگ طبیعت و نزدیکی به حال و هوا و زاویه دید کودک سبب شده است که نماد در شعر سلمان عرصه عمل قابل توجهی داشته باشد. تقابل‌های دوگانه‌ای که در شعر هراتی از طریق تضاد، ترکیبات پارادوکسی و نیز ژرف‌ساخت معنایی دیده می‌شود، در فضای ساده و بکر شعر او به‌گونه‌ای جا گرفته است که تولید معنا در محیطی نزدیک به فکر و ذهن او را امکان‌پذیر می‌کند.

تأویل رویدادهای روزمره، تجربه‌های دوران زندگی، جهان‌بینی، فرهنگ و طرز تفکر شاعر و سایر شخصیت‌ها در روایت به‌ویژه در کارهای شاعری که با گستره‌ای وسیع از مضامینی همچون جنگ و مقاومت، اختلاف شدید طبقاتی در جامعه، تحولات مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی و آرمان‌های تحقق‌یافته و مغفول مانده آن مواجه بوده و به آرمان‌های آن متعهد است، سبب تولید رمزگان‌های گوناگون شده و گفتمان‌های بنیادین شعر او را با وضوحی قابل توجه بازتاب داده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

- قرآن کریم. (۱۳۳۶). ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: جاویدان.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۸). ساختار و تأویل متن. ج ۱۱، تهران: مرکز.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۷۷). عناصر داستان. ترجمه فرزانه طاهری. ج ۱. تهران: مرکز.
- آسابرگر، آرتور. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان کاربردی فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره. ترجمه حسین پاینده. ج ۱. تهران: مروارید.
- آلگونه جونقانی، مسعود. (۱۳۹۵). امبرتو اکو و بنیان نشانه‌شناختی تأویل. نقد و نظریه ادبی. سال اول دوره اول. شماره ۱. صص ۲۳-۴۷
- آلن، گراهام. (۱۳۸۵). رولان بارت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز.
- بارت، رولان. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها. ترجمه محمد راغب. تهران: فرهنگ صبا.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی نظریه و روش». پژوهشنامه علوم سیاسی. سال پنجم. شماره ۴. صص ۷-۳۹
- چندلر، دانیل. (۱۳۸۶). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. ج ۱. تهران: سوره مهر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۰). ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی و مطالعات ادبی. ج ۲. تهران: سوره مهر.
- _____ (۱۳۷۷). درآمدی بر نشانه‌شناسی. فارابی. شماره ۳۰. صص ۲۱۲-۲۳۱.
- _____ (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی کاربردی. ج ۲. تهران: علم.
- سوسور فردینان. ۱۳۹۲. دوره‌زبان‌شناسی عمومی. ترجمه کورش صفوی. ج ۴. تهران: هرمس.
- شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن. (۱۳۷۹). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضاییلی. ج ۲. ج ۱. تهران: جیحون.
- _____ (۱۳۸۲). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضاییلی. ج ۳. ج ۱. تهران: جیحون.
- _____ (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضاییلی. ج ۴. ج ۱. تهران: جیحون.
- _____ (۱۳۸۷). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضاییلی. ج ۵. ج ۱. تهران: جیحون.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۳). آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات. ج ۱. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- صفینی، کامبیز؛ سلامی، مسعود. (۱۳۹۰). توضیح و معرفی متدولوژی رمزگان پنج‌گانه رولان بارت با نمونه عملی از نمایشنامه فیزیکدان‌ها اثر فریدریش دورنمات. مطالعات نقد ادبی. شماره ۲۴. صص ۱۳۴ تا ۱۵۲.
- صیمران، محمد. (۱۳۸۳). امبرتو اکو و نشانه‌شناسی. کتاب ماه ادبیات و فلسفه شماره ۸۹ و ۹۰ صص ۷۸-۸۳
- علی پور، منوچهر. (۱۳۸۸). سلمان هراتی (مشاهیر ایرانی ۳۶). تهران: تیرگان.

کریمی، فرزاد. (۱۳۹۴). تحلیل نقش رمزگان در روایت‌مندی شعر نو ایران. مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی. دانشگاه محقق اردبیلی. صص ۳۹۱-۴۰۴.

گودرزی لمراسکی، حسن. (۱۳۹۱). بینامتنیت در شعر صلاح عبد الصبور. زبان پژوهی دانشگاه الزهراء. (سلام الله علیها) سال سوم، شماره ۶. صص ۱۳۵-۱۵۴.

محمدی فشارکی، محسن؛ خدادادی، فضل الله. (۱۳۹۷). فرهنگ توصیفی اصطلاحات روایت‌شناسی. چاپ اول. تهران: سوره مهر

مکوئیلان، مارتین. (۱۳۸۸). گزیده مقالات روایت. ترجمه فتح محمدی. تهران: مینوی خرد.

موسوی، مصطفی؛ اسپرغم، ثمین. (۱۳۸۹). نقد اسطوره‌شناسی قصه دختر نارنج و ترنج. نقد ادبی. سال سوم، شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۲۳۳-۲۵۵.

هراتی، سلمان. (۱۳۸۰). مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی. ج ۱. تهران: دفتر شعر جوان.

